

سایه های نامرئی در

دیوان بیت خاقانی



گفت و گو با دکتر عباس ماهیار
خاقانی شناس و استاد دانشگاه

محمد مقاحی

گاهی در شعر خاقانی مسائلی وجود دارد که اگر آن‌ها را ندانیم هم مشکلی پیش نمی‌آید، اما اگر بدانیم زیبایی خیال، دقت و نکته‌سنجی او را بیشتر حس می‌کنیم. وجود همین نکته‌هاست که سبب می‌شود او در زمان خودش یک سر و گردن از دیگران برتر باشد و توجه پژوهشگران، استادان و دانشجویان را به سوی خود جلب کند.

○ بنابراین شما بیشتر اهمیت خاقانی را در تصویرسازی...

در شعر خاقانی تصویرسازی‌ها، نکته بینی‌ها و نازک‌خیالی‌ها و ایهام‌ها از وجوه مختلف دیده می‌شود که برای او شان و مقامی خاص تدارک می‌بیند. من یک بیت از یک قصیده‌ی او را مثال می‌زنم و توضیح می‌دهم تا معلوم شود که چرا خاقانی برای پژوهنده‌گان هدف شایسته‌ی توجه قرار گرفته است. می‌گوید: «مصطفی کحال عقل و

کعبه دکان شفاست / عیسی اینجا کیست؟ هاون کوب دکان آمده» این بیت از قصیده‌ای است که درباره‌ی حج سرده شده، اگر مفردات این بیت را به طور جداگانه بررسی کنیم مطلب جالب توجهی از بیت احساس نمی‌کنیم؛ اما آن‌چه این شعر را زیاده‌تر می‌کند و تصاویر آن را بهتر نشان می‌دهد روایتی است که خاقانی برای این مفردات در نظر گرفته است مثلاً کحال عقل. «کحال» به معنی چشم پزشکی است اما خاقانی با آوردن مضاف‌الیه عقل، معنی دیگری به شعر داده است. یعنی مصطفی دیده‌ی عقل‌ها را بصیرت می‌بخشد و جایگاه این طبابت هم کعبه است که از نظر مسلمانان مقدس‌ترین مکان است. حضرت عیسی از پیامبران اولوالعزم است اما اگر لفظ کیست را استفهام انکاری بگیریم و کسی نیست معنی کنیم بر خیال‌انگیزی شعر افزوده می‌شود. هاون کوب هم یعنی کسی که در دکان کحال مواد مورد استفاده را در هاون می‌کوبیده و به نوعی همکاری می‌کرده، پس عیسی هم در کنار مصطفی محسوب می‌شود.

اما هنوز کار تمام نشده می‌دانیم که در قرآن کریم در شان عیسی (ع) آمده است: احی الموتی به اذن الله (من به اذن خدا مرده را زنده می‌کنم) وقتی هم کار دکان شخصی چون عیسی است که مرده را زنده می‌کند ارزش و اعتبار مصطفی را تا بی نهایت افزایش می‌دهد، این ریزی بینی‌هاست که خاقانی را شهره آفاق کرده است.

○ آیا از نظر وزن، قافیه و ردیف خاقانی را می‌توان مبتکر شیوه‌های تازه دانست؟

از نظر وزن، جز یکی دو مورد، وزن‌های معمول

گمان می‌کنم درباره خاقانی و نظامی بر سر کار بودن اتابکان آذربایجان و شروان شاهان مهم بوده است. دو سلسله‌ی نیمه مقتدر که به گفته‌ی خاقانی پیروزی‌هایی در جنگ‌ها کسب کرده‌اند محیط‌های مناسبی را برای شعر و سخنوری ایجاد کرده‌اند. چون اگر شاعران از لحاظ اجتماعی راحتی فکری نداشته باشند نمی‌توانند آنچنان که باید آثاری متعالی خلق کنند. اتابکان آذربایجان که از اواسط تا اواخر قرن ششم صاحب قدرت بوده‌اند موجب اجتماع شاعران و نویسندگان در دربار خود شده‌اند، بنابراین نظامی توانسته بود با قول ارسال ملاقات کند یا خاقانی قصابداستوار در مدح قول ارسال بسازد و هر چند این اشعار شعرهای مدحی هستند. اما خیال‌پردازی‌های بی‌بدیلی را نیز در بردارند. ○ با وجود شاعران مهم و مشهوری چون خیام، عطار، سنایی، ناصر خسرو، نظامی و... در اواخر قرن پنجم یا قرن ششم به چه دلیلی پژوهشگران به خاقانی توجه ویژه‌ای نشان داده‌اند؟

به نظر من خاقانی «حافظ قرن ششم است». ولی چه سود که، بیچاره نیست شیرازی. خاقانی ذهن مواج و مهارتی در تصویرسازی دارد که گمان نمی‌کنم شاعری در خیال‌انگیزی سهمی بیشتر از او داشته باشد. بر همین اساس است که گفته‌اند خاقانی در قرن ششم برای ورود سبک هندی به شعر فارسی مقدمه‌چینی کرده است، البته من به این امر معتقد نیستم اما ذهن خاقانی را که سخنانی از روی نکته‌سنجی گفته است می‌ستایم.

این نکته‌سنجی‌ها در شعر همه‌ی شاعران وجود ندارد و من از این نکته‌سنجی‌ها تحت عنوان سایه‌های نامرئی بر سر مضامین خاقانی یاد می‌کنم.

برای دیدار با دکتر عباس ماهیار بهانه‌های بسیاری می‌توان یافت. خاطرات شیرین کلاس‌های درس او، خواندن کتاب‌های ارزشمندش در زمینه‌های مختلف چون وزن شعر فارسی، صرف و نحو عربی، مرجع‌شناسی و روش تحقیق، شرح مشکلات خاقانی و... بهانه‌های بسیار دیگر. اما آن‌چه این بار بهانه‌ی دیدار او شد انتشار کتاب تازه‌ای درباره خاقانی است عنوان این کتاب «سحر بیان خاقانی» است که استاد پس از چاپ چهار جلد از مجموعه‌ی «شرح مشکلات خاقانی» و چندین گزیده از دیوان خاقانی به انتشار آن همت گماشته است «سحر بیان خاقانی» به گفته‌ی دکتر ماهیار برای دانشجویان و علاقه‌مندانی که قصد شناسایی خاقانی را دارند تالیف شده و راهی تازه برای شناختن شخصیت، زندگی و شعر خاقانی از جنبه‌های گوناگون است.

○ آقای دکتر برای آغاز این گفت‌وگو مختصری درباره اهمیت ادبیات قرن ششم و جایگاه آن در ادبیات ایران بفرمایید.

قرن ششم ادامه‌ی ارتقای فرهنگ و ادب در ایران و پیام تعالی فرهنگ ایرانی است. ما ظهور خواجه نصیرالدین طوسی را در قرن هفتم دنباله‌ی تعالی فرهنگ و علوم در قرن‌های پنجم و ششم می‌دانیم.

○ تاثیر محیط را پرورش و ظهور شاعران و سخنوران بزرگ و فراوان قرن ششم به ویژه خاقانی تا چه حد می‌دانید؟

زمان خود را به کار گرفته است اما خاقانی شاعر ابتکار ردیف هاست. گاهی در یک مصرع هفتاد درصد به ردیف اختصاص می‌یابد و سهم متن بیشتر از سی درصد نیست مانند:

به خراسان شوم انشأالله

این ره آسان شوم انشأالله

غزلیاتش هم بیشتر غزل‌ها مردف است. در شعر امروز قافیه نمی‌آورند چون معتقدند شاعر را از هدف خاص دور می‌کند و خاقانی در قصاید بلند خود ردیف‌های طولانی می‌آورد.

این امر نشان می‌دهد ذهن شاعر همچون دریایی است که شاعر می‌تواند از این دریا هر چه که می‌خواهد انتخاب کند و به عنوان قافیه یا ردیف به کار گیرد.

○ برخی از پژوهشگران عقیده دارند که خاقانی فارس نبوده و به همین علت شعرش پیچیده است، گروهی هم معتقدند که اصطلاحات فراوان نجوم، طب و... در شعرش این پیچیده‌گی را به وجود آورده است. شما در این مورد چه نظری دارید؟ من از لفظ پیچیده استفاده نمی‌کنم. از ابتکار استفاده می‌کنم. ابتکارات خاقانی هیچ ارتباطی با مقوله‌ی زبان او ندارد. البته در بعضی از کشورها به ویژه جمهوری آذربایجان این مساله را با شدت وحدت بیشتر عنوان می‌کنند که خاقانی شاعر آذری زبان است و اشعار ترکی هم به او نسبت داده‌اند که من گمان نمی‌کنم متعلق به او باشد.

من خودم آذری زبان هستم، اما معتقدم که شعر و زبان خاقانی فارسی بوده و اگر پیچیده‌گی هم در شعرش وجود داشته باشد ربطی به آذری بودن یا نبودن او ندارد.

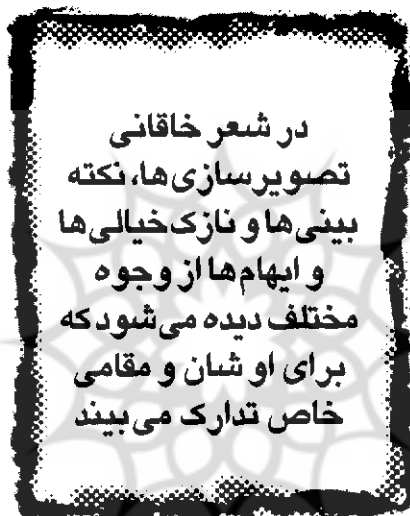
○ پس به عقیده شما خاقانی ترک نبوده است؟ من گمان می‌کنم که خاقانی ترک نبوده است همان گونه که مولوی برخلاف ادعای بعضی مردم ترکیه، ترک نبوده است، هر چند که در غزل‌ها و اشعار او موارد زیادی از واژه‌های ترکی به چشم می‌خورد در دیوان خاقانی نیز واژه‌هایی چون سن، سن، اتمک، سو و... آمده است اما این‌ها را نمی‌توان شاهدی برای ترک بودن او دانست و مشخص نیست که در قرن ششم در شروان زبان آذری به شکل امروزی مورد استفاده مردم بوده است یا نه؟

ضمن این که شعر شاعران دیگر آن منطقه چون فلکی شروانی، ذوالفقار شروانی، نظامی گنجه‌ای و... در حد بالای بلاغت و فصاحت به زبان فارسی سروده شده است.

○ بنابراین شما قسمت زبان را متنی می‌دانید اما

داشتن مادری غیرمسلمان (از نظر دانستن فرهنگ، آداب و رسوم و نکات بسیار دیگر از آن دین) می‌تواند بر این پیچیده‌گی‌ها یا به تعبیر شما ابتکارات خاقانی تاثیر گذار باشد؟

گروهی می‌گویند خاقانی اصطلاحات مسیحی را از این جهت در دیوان خود آورده است که مادرش مسیحی بوده. من به هیچ وجه با این گفته موافق نیستم. مطابق آن چه خاقانی در «تحفه العراقین» گفته است مادرش مسیحی نستوری بوده اما پدر خاقانی این کتیز مسیحی نستوری را پس از دعوت به اسلام و مسلمان شدن او در اختیار می‌گیرد، بنابراین این کتیز مسیحی دیگر در منزل او وجود ندارد. او مسلمان شده، نماز می‌خواند و آداب مسلمانی را به جای می‌آورد. بنابراین اصطلاحات مسیحی از این جهت



در دیوان او به کار نرفته است. می‌توان گفت که شروان همسایه‌ی منطقه‌ی مسیحی نشین است. مرز اسلام و مسیحیت است. یکی از دلایل نفوذ اصطلاحات مسیحی به دیوان خاقانی همین امر است و دیگر فرماندهان و بزرگان مسیحی که در دربارهای آن زمان مقامات عالی کشوری را به عهده داشته‌اند این امر می‌تواند یکی از راه‌های تاثیر گذاری را هموار کند. در منشآت خاقانی چندنامه به فرماندهان و بزرگان مسیحی وجود دارد که ناگزیر انباشته از اصطلاحات فراوان آیین مسیحیت است.

○ از چه روشی می‌توان خاقانی را به دانشجویان، علاقه‌مندان و به جامعه شناساند؟

این کار روش‌های مختلفی دارد و یکی از آنها شناساندن خاقانی با کتاب‌های تاریخ ادبیات است که من با این روش خیلی موافق نیستم. کتاب‌های تاریخ ادبیات دیدگاه‌های مختلف را درباری خاقانی مطرح می‌کنند اما خاقانی را باید با

شعرش شناخت و شناساند، این بهترین راه برای شناخت اوست. برای رفع مشکلاتی که در خواندن اشعار او پیش می‌آید، یا استخراج شرح احوال او از شعر او و یا شناخت ممدوحان او از قرائنی که در قصاید می‌توان یافت و... باید از دیوان او استفاده کرد.

برای نمونه خاقانی دوبار به مکه رفته است، یک بار سال ۵۵۱ و یک بار سال ۵۶۹ در سفر دوم قصیده‌ای دارد که حرکت خود از بغداد تا مکه را مطرح کرده است. در آن زمان مسافرت از بغداد تا مکه یک ماه طول می‌کشید چون بیست و هشت منزل وجود داشته و هر روز یک منزل طی می‌شده است. من در مقاله‌ای که در مجله‌ی دانشگاه فردوسی مشهد تحت عنوان «خاقانی در راه کعبه» چاپ شده است این مطلب را نوشته‌ام و یادآور شده‌ام که خاقانی این منازل را چگونه توصیف کرده است و هر یک از این منازل را از کتب جغرافیایی استخراج کرده‌ام. با خواندن این مقاله می‌توان فهمید که راه مکه در آن زمان چگونه بوده است. در این مقاله من از سفرنامه‌ای به نام «رحله‌ی بن جبیر» استفاده کرده‌ام. این کتاب توسط شخصی نگاشته شده که یازده سال پس از خاقانی این راه را از مکه به سوی بغداد رفته است.

○ از جهت تاریخی چقدر می‌توان به خاقانی مراجعه کرد.

خاقانی گاهی اشارات تاریخی دارد به برخی از اشارات او را به عنوان سایه‌هایی از تاریخ می‌توان استاد کرد. می‌گوید:

پرویز به هر خوانی زرین تره آوردی

کردی ز بساط زر زرین تره را بستان

پرویز کنون گم شده، زان گم شده کمتر گو

زرین تره کو برخوان، رو کم ترکوا برخوان

«کم ترکوا» خواندن اشاره به آیه‌ی قرآنی دارد؛ یعنی پادشاهان بزرگ ساسانی با اقتدار حکومت کرده و از بین رفته‌اند، اما علاوه بر آیه‌ی قرآن یک اشاره تاریخی دارد که نامری است. در تواریخ نوشته‌اند هنگامی که سعدبن ابی وقاص -فرمانده عرب- به مداین حمله کرد و مداین را فتح کرد و شکوه و جلال مداین و ایرانیان را دید این آیه را بر زبان آورد: «او کم ترکوا من جنات عیون» پس در این شعر اشاره‌ای هم به تاریخ و فتح مداین به دست این فرمانده‌ی عرب شده است، اما نامری است و باید بررسی‌های فراوانی در دیوان خاقانی به عمل آید. بنابراین، خاقانی برای پژوهنده‌گان راهنمای خوبی از حیث اشارات تاریخی نخواهد بود.

○ گله و شکوه‌ی خاقانی از ریا و سالوس و اوضاع بد جامعه‌اش چطور، آیا می‌تواند راهی برای

شناخت دوره‌ی زندگی او از لحاظ اجتماعی و سیاسی باشد؟

شکوه‌ی خاقانی از روزگار و مردم روزگار بسیار است. او از شاعران هم دوره‌ی خود گله دارد که مضامین شعری او اسرقت می‌کنند. از ریا و دورویی آن‌ها گله مند است که در حضورش او را مدح می‌کنند اما در غیاب او بدگویی می‌کنند، همان نکته‌ای که حافظ می‌فرماید:

جای آن است که خون موج زند در دل لعل

زین تغابن که خرف می‌شکند بازارش

خرف‌ها همیشه بازار لعل‌ها را شکسته‌اند. این مسائل در دوره‌ی خاقانی هم وجود داشته است. او از بی‌وفایی مردم گله دارد، او از این که انیس و همدمی برای خود نمی‌یابید بسیار آندوهگین و ناراحت است.

○ حال که صحبت از اوضاع اجتماعی شد درباره زندانی شدن خاقانی و حبسیه‌های او توضیح بفرمایید؟

خاقانی بی‌تردید دوبار زندانی شده است، یک بار در زمان خاقان اکبر منوچهرین فریدون، بار دیگر در زمان خاقان کبیر اخستان بن منوچهر. بار اول ظاهراً به فکر خراسان و سفر به آن سامان بوده که به گوش خاقان اکبر رسانده‌اند که خاقانی قصد فرار داد. پس او را گرفته و زندانی کرده‌اند که در قصیده‌ی «بائیه» آورده است. زندان دوم هم آن گونه که از منشآت‌اش برمی‌آید به دلیل بی‌توجهی او به اخستان اتفاق افتاده است. آن چه مسلم است خاقان اکبر سخته کرده و مرده است. بعد از مرگ او و هنگام جانشینی پسرش همه‌ی شاعران به دیدارش رفتند. اما خاقانی نرفت. و همین امر باعث شد او را زندانی کنند. زمان زندان دوم به طور حتم سه ماه و زندان اول احتمالاً چهار ماه بوده است. در این زمان کوتاه قصیده‌هایی گفته است که به نظر می‌رسد همچون مسعود سعدسلیمان سالیان بسیاری از عمرش را در زندان بوده است.

○ در مقایسه‌ی قصیده‌ی سینیه‌ی بحتری، و سینیه‌ی خاقانی پژوهشگران نظرات مختلفی داده‌اند. از جمله در یکی از تازه‌ترین کتاب‌هایی که در آن به مقایسه‌ی این دو قصیده پرداخته شده عنوان شده است که: «بحتری شاعرانه قصیده‌اش را سرود و خاقانی حکیمانه‌تر». نظر شما در این باره چیست؟ از نظر من قصیده بحتری در شان بحتریست و قصیده‌ی خاقانی در شان خاقانی. این دو قصیده با هم قابل مقایسه نیستند چرا که بحتری تصورات و تخیلات عربی دارد و خاقانی تصورات و تخیلات ایرانی، اگر قصاید و اشعار عربی را بررسی کنیم

ملایمت و نرمی در آنها نمی‌یابیم. زبان فارسی زبان ترکیبی است اما زبان عربی زبان قالبی واحدهاست. بنابراین مقایسه‌ی این دو قصیده را با یکدیگر کار درستی نمی‌دانم چون هر کدام ویژه‌گی‌های خاص خود را دارند.

○ اگر ممکن است درباره‌ی خاقانی شناسی و آثاری که در این باره به چاپ رسیده است توضیح مختصری بفرمایید؟

بسیاری از استادان دانشگاه‌ها درباره‌ی خاقانی مقاله نوشته‌اند، گزیده انتخاب کرده‌اند و به شرح مشکلات خاقانی پرداخته‌اند. تاجایی که برایم مقدور بوده، بیشتر این آثار را خوانده‌ام. پاره‌ای از این آثار تنها متضمن معنای گذرایی بر اشعار خاقانی است. برخی از این آثار لغزش‌های بسیاری دارند که من

به نظر من خاقانی «حافظ قرن ششم است». ولی چه سود که، بیچاره نیست شیرازی. خاقانی ذهن موج و مهارتی در تصویرسازی دارد که گمان نمی‌کنم شاعری در خیال انگیزی سهمی بیشتر از او داشته باشد

هیچ گاه در موردشان مطلبی ننوشته‌ام اما در کتاب‌هایی که خوانده‌ام زیر این نکات خط کشیده‌ام و به عنوان سوال برایم باقی مانده است. گروهی از پژوهشگران هم با طبقه‌بندی ویژه‌ای تنها حبسیه‌ها، مرثیه‌ها و... را بیان کرده‌اند. اما کتابی که بتواند در این باره مرأضی کند و به جنبه‌های گوناگون شعر خاقانی از هر حیث بپردازد هنوز ندیده‌ام، اما گمان می‌کنم بهتر است که هیاتی از خاقانی‌شناسان برای شناساندن بهتر و بیشتر خاقانی دور هم جمع شوند و به عنوان یک کار گروهی به بررسی آثار خاقانی بپردازند.

○ شما چهار جلد از شرح مشکلات خاقانی را با عنوان‌های «ثری تا ثریا» (شرح اصطلاحات و مطالب مربوط به علم نجوم)، «خار خار بند و زندان» (شرح قصیده‌ی ترسانیه)، «نسیم صبح» (گزیده‌ای از اشعار) و «پنجنوش سلامت» (شرح اصطلاحات و مطالب مربوط به علم طب) به چاپ رسانده‌اید. چند جلد دیگر از این مجموعه باقی

است و آیا کار دیگری برای چاپ دارید؟ این مجموعه هفت جلد خواهد بود. در جلد پنجم آن که هم اینک مرحله‌ی پاکتویس کردن آن در حال اتمام است به «حدیث در شعر خاقانی» پرداخته‌ام. در این کتاب ابتدا صاحب شریعت را مطرح کرده‌ام؛ یعنی نگاه خاقانی به رسول خدا، سپس در حد لازم به اشارات مربوط به ولادت رسول خدا، بعثت وی، یاران فداکار پیغمبر، مخالفت کفار با رسول خدا، معراج رسول خدا، هجرت وی، جنگ‌های رسول اکرم، خصوصیات رسول خدا، شریعت مصطفی و توجه خاقانی به این مقولات و احادیثی که خاقانی از آنها استفاده کرده است، پرداخته‌ام و سرانجام احادیث فراوانی در فصل آخر کتاب جمع‌آوری کرده‌ام و نام جلد پنجم «گنجینه‌ی اسرار» است. دفتر ششم به باورداشت‌ها می‌پردازد که بسیار مفصل است و جلد آخر با عنوان «خوانشی دیگر» را به شعرهایی که در عنوان‌های دیگر نمی‌گنجد اختصاص داده‌ام.

○ کمی هم درباره‌ی کتاب جدیدتان یعنی «سحر بیان خاقانی» صحبت کنید.

این کتاب برای بررسی دانشجویان در دوره‌های کارشناسی و کارشناسی ارشد تهیه شده است. در این کتاب از ابتداسعی کرده‌ام خاقانی را به خواننده بشناسانم. کسی که این کتاب را می‌خواند می‌تواند دریابد که خاقانی کیست، چگونه زندگی کرده، چگونه فکر کرده و در کتاب به همه‌ی مسائل مهم درباره‌ی خاقانی پرداخته‌ام. گاهی هم به مقولات بلاغی پرداخته‌ام، گاهی از سوانح زندگی شاعر سخن گفته‌ام، درباره‌ی سفرهای حج او، زندانی شدن او، مدح در اشعار او و... نیز سخن گفته‌ام. در آغاز کتاب قصیده معروف به ایوان مدائن را آورده‌ام چون خاقانی را با این قصیده می‌شناسند. در مجموع ده قصیده و یازده غزل در این کتاب آمده است و درباره‌ی قصیده‌ها از دو نکته غافل نبوده‌ام: یکی این که این اشعار در چه مورد، چرا و چگونه ساخته شده و دیگر این که نکات مختلف بلاغی، علمی و... اشعار را تحت عنوان نکته‌ها شرح کرده‌ام.

○ فکر می‌کنید از پایان شرح مشکلات خاقانی حرف دیگری هم درباره‌ی خاقانی مانده باشد؟ پس از پایان این اثر به فکر شرح اشعار خاقانی هستم که در دفتر دوم شرح مشکلات خاقانی؛ یعنی شرح قصیده‌ی ترسانیه نمونه‌ای از آن را آورده‌ام. من معتقدم هر پنج یا شش قصیده‌ی خاقانی می‌تواند یک مجلد باشد. البته این در حد آرزوست اما واقعیت یافتن آن نیاز به فرصت دارد.